**بسم الله الرحمن الرحیم**

**تخالف الحجج**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه صد و دوازدهم\_ 22 آبان 1400**

**[ادامۀ بحث در فرع فقهی]**

فرعی مطرح شد در پایان مباحث مرجحات تزاحم، برای این که این فرع اگر از باب تزاحم باشد، باید دید چگونه مرجحات باب تزاحم وقتی خودشان با یکدیگر در تزاحم می­شوند رفتار کرد و اگر از باب تعارض باشد، ببینیم چرا برخی مثل محقق خویی رضوان الله علیه این­جا را از باب تعارض دانسته و نه تزاحم.

مشاهده کردید که بزرگان فقه و اعاظم محشین عروة اعلی الله مقامهم در این مسأله تفاوت نظر جدی دارند و حتی یک فقیه در دو جا متفاوت اعلام نظر کرده است، فرع این بود که مصلی امرش دائر شده است بین دو مکان، در مکان اول می­تواند قائماً نماز بخواند، ولی رکوع و سجود را باید با ایماء انجام بدهد، در مکان دوم قادر بر قیام نیست، ولی باید نشسته نماز بخواند، در همان حال نشسته هم می­تواند رکوع و سجودنشسته انجام بدهد.

**[مستند فتوای سید یزدی در این فرع]**

نظر مبارک سید رضوان الله علیه در عروه این بود که اگر وقت وسیع است، احوط جمع به تکرار نماز است و اگر ضیق است، بعید نیست قائل به تخییر شویم، یکی از فروعی که می­توان به کسی این فرع را مطرح کرد، حواشی و نظرات بزرگان را هم مطرح کرد، و از طرف بخواهیم مدارک این اقوال را بگوید، برای این­که ببینیم قوۀ استنباط او در چه حد است، تسلط او به اصول و قواعد فقهیه چه قدر است، تا چه مقدار می تواند رد الفروع الی الاصول کند، همین فرع است.

حال سید چرا تفصیل داد بین سعۀ وقت و ضیق وقت، چرا در سعة وقت فرمود احتیاط در جمع است، چرا در ضیق وقت فرمود تخییر؟

از بیانات شیخنا الاستاد دامت برکاته استفاده می­شود که در تبیین نظر سید باید گفت ما قطعا یک علم اجمالی داریم، به لزوم انجام یک تکلیف که یا نماز قائما مع الایماء للرکوع و السجود است، یا نماز نشسته است مع الاتیان بالرکوع و السجود جالسا، در این­جا هر چه از اصول ترخیصیه در دو طرف علم اجمالی به تنهایی اجراء می شود به دلیل تعارض با جریان این اصل ترخیصی با طرف دیگر، با وجود آن علم اجمالی به تکلیف لزومی، تعارض می کنند و تساقط، نمی توان در مورد نماز قائما بگوییم برائت می جویم از لزوم انجام رکوع و سجود جالسا و در نماز جالسا بگوییم برائت جاری می کنیم از نماز قائما، هر طرف بخواهی برائت جاری کنی، با طرف دیگر در تعارض است و نمی توان در هر دو طرف، اصل ترخیصی جاری کرد، چون جریان اصل ترخیصی در هر دو طرف مخالفت دارد با علم اجمالی ما به تکلیف لزومی، و نمی توانیم فی احدهما المعین نیز اصالة البرائة جاری کنیم، چون ترجیح بلا مرجح است، اگر بخواهیم از لزوم سجده و رکوع، برائت جاری کنیم، چه مرجحی دارد بر لزوم برائت از قیام؟ در هیچ یک ترجیحی نمی بینیم، و نمی توان فی احدهما المردد نیز برائت جاری کرد، چون بارها گفته­اییم احد مردد لا وجود له و لا هویة، پس اصول ترخیصیه متعارض هستند و متساقط، مائیم و علم اجمالی، مائیم و اشتغال یقینی، مقتضای تنجز علم اجمالی، و مقتضای اشتغال یقینی، احتیاط است، و این احتیاط به جمع بین دو نماز است، تا جمع بین دو نماز صورت نگرفته، فراق یقینی حاصل نشده است، این دلیل اصولی برای نظر دادنش به لزوم احتیاط در سعه وقت است.

اما چرا سید در حال ضیق وقت فرمود، تخییر؟ دلیلش این است که ما در ضیق وقت موافقت قطعیه نمی­توانیم بکنیم، به خلاف سعۀ وقت که موافقت قطعیه ممکن بود، اما در ضیق وقت، چون قدرت بر هر دو اداءً نیست، پس من متمکن از موافقت قطعیه نیستم، از سویی به جهت وجود آن علم اجمالی به وجود بک تکلیف الزامی، مخالفت قطعیه هم جایز نیست، عقل می گوید به دلیل وجود آن علم اجمالی حق نداری اساسا نماز را ترک کنی، حال که نه موافقت قطعیه ممکن است، نه مخالفت قطعیه جایز است، نوبت می رسد به موافقت احتمالیه، در موافقت احتمالیه، اگر یک طرف، بر دیگری ترجیح داشت، که به آن سوی ترجیح داده شده، نظر میدهیم، اما فرض این است که هیچ کدام از این دو نماز بر دیگری ترجیح ندارد، پس یتعینُ التخییر.

حال من عبارت سید را دو مرتبه می­خوانم، وجه نظر ایشان را با خود عبارت سید تطبیق کنیم، تا بعدها بتوانید فتاوا را مستند سازی کنیم، **و لو دار الامر بین مکانین فی احدهما قادرٌ علی القیام، لکن لا یقدر علی الرکوع و السجود الا مؤمیا و فی الآخر لا یقدر علیه و یقدر علیهما جالسا** در چنین فرعی منهای توجه به روایات کتاب الصلاة، منهی توجه به قاعدۀ لا تعاد، منهای توجه به قواعد فقهی کتاب الصلاة ، نوبت برسد به اصول عملیه، الاحوط الجمع بتکرار الصلاة، در این­جا احوط آن است که ما در سعه وقت دو نماز را بخوانیم، که در این­جا قطعا برائت یقینی از آن اشتغال یقینی حاصل شده است، نمی توانیم اصول ترخیصیه را در هر دو طرف جاری کنیم، چون علم اجمالی به وجود اصل تکلیف داریم، پس بیاییم در چنین جایی چون سعه وقت است و من قادر به تکرار نماز هستم، احتیاطی ترین راه را برگزینیم، و آن جمع بین دو نماز است. و اما ببینم در مورد ضیق چه باید گفت؟

و فی الضیق لا یبعد التخییر، اگر چه در مورد ضیق راه­های دیگری هم ممکن است به نظر برسد، که بعضی از فتاوای علماء اشاره داشت و ممکن است از قواعد فقهیۀ کتاب الصلاة استفاده هایی بکنیم اما در مجموع بعید نیست که رو به تخییر بیاوریم، چون از یک سوء من هستم و یک قدرت، نه قدرت بر انجام هر دو، از یک سو مخالفت قطعیه با آن علم اجمالی قطعا باطل است، از یک سو موافقت قطعی با آن علم اجمالی هم میسر نیست، بعید نیست که در انیجا رو به سوی موافقت احتمالیه بیاوریم، و موافقت احتماله هم اگر یکی بر دیگری ترجیح داشت، با جانبی است که ترجیح دارد و چون یکی از این دو نماز بر دیگری ترجیح ندارد، نوبت به تخییر می رسد.

ببینید در این توضیحی که ابتدائش از شیخنا الاستاد نقل شد و در ادامه با عبارت بنده بر عبارت سید تطبیق دادیم، گویا مورد را از موارد تزاحم دانسته اند، ولی نتوانسته اند، یکی از این دو نماز را با یکی از مرجحات باب تزاحم ترجیح بدهند، لذا بحث قدرت بر تکرار و عدم قدرت بر تکرار پیش آمده، بحث سعۀ وقت و ضیق وقت پیش آمده، نوبت به این رسید که در سعۀ وقت، احوط جمع است، در ضیق وقت، تخییر، این می­شود مستند فتوا و نظر مرحوم سید.

**[فتوا و مستند فتوای صاحب جواهر]**

مرحوم صاحب جواهر می فرماید این مسأله دارای اشکال است، گفته­اییم بارها هر جا در لسان فقها تعبیر اشکال شد، یعنی مسأله ذو وجهین است، یا ذو وجوه است.

حال در این­جا مسأله دو وجه دارد، یکی این که بگوییم قیام مقدم است، و لو رکوع و سجده ایمائی. دیگری این که رکوع وسجود مقدم است، اگر چه نماز را قائما نخوانید، **و المسألة لا تخلو من اشکال، و ان کان احتمال تقدیم الجلوس، قویاً.[[1]](#footnote-1)**

بیاییم فرمایش صاحب جواهر را با توجه به نصوص و قواعد باب صلاة تجزیه و تحلیل کنیم. اما این­که بگوییم قیام بر نماز نشسته ترجیح دارد، به این بیان قابل استدلال است، که روایات ما، نماز نشسته را، در صورتی تجویز کرده، که نماز قائماً ممکن نباشد، و فرموده است اذا قوی فلیقم، این اذا قوی فلیقم، یک قضیۀ شرطیه است که حقیقت آن یک قضیۀ حقیقیه است، هر جا که قوت بر قیام بود، فلیقم، اگر مصلی، در حالت اول نماز و لو در ضیق وقت بخواهد نماز بخواند، قدرت بر قیام دارد، شرط وجوب قیام برای او محقق است، باید ایستاده نماز بخواند، وقتی هنگام رکوع و سجود می رسد، قادر بر رکوع تام و تمام و سجود تام و تمام نیست، تکلیفی به غیر از ایماء ندارد چون ایما ء فقط برایش محقق است اما وجهی ندارد که دست از نماز قائما بردارم، هنوز فرمایش صاحب جواهر را توضیح کامل ندادیم، مطالعه بفرمایید ان اشء الله فردا.

و صلی لله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین .

1. ج 9، ص 256 و 257. [↑](#footnote-ref-1)